

تأثیر الگوها بر دختران در نظام تربیتی اسلام با تکیه بر آموزه های دین

□ سید محمود مرتضوی هشتروندی *

□ مهناز سلمانی **

□ الهه شقایق شندی ***

چکیده

یکی از روش های تربیتی زندگی، داشتن الگوست. وجود الگوی خوب به عنوان راهنما، انسان را بر سر دوراهی های زندگی در انتخاب درست یاری می رساند.

و از آنجایی که جوانان، بالاخص دختران، تحت تأثیر انگیزه های روانی نیازمند سرمشق اند، لذا خداوند ضمن توجه ویژه به دختران و رشد و تعالی شان، به جهت اینکه مادران آینده و مربیان تأثیر گذار بر جامعه بشری اند، با ارائه الگوها و شاخص های متعالی انسانیت، زنان و دختران را به پیروی از سیره عملی و نظری این الگوها دعوت می نماید تا از هدایت فکری و مراقبت های ویژه برخوردار باشند. در این پژوهش ضمن بررسی ضرورت وجود الگوها برای دختران در نظام تربیتی اسلام، کارکردهای مثبت و منفی الگوهای خوب و بد در تربیت دختران بررسی و شاخصه های شناسایی شان از منظر آموزه های دینی، بررسی و ارائه شده است.

از این رو پژوهش حاضر، در این راستا، به بررسی اهمیت وجود الگو برای دختران، تبیین تأثیر الگوهای خوب و پیامدهای پیروی از الگوهای بد در نظام تربیتی اسلام با تکیه بر آموزه های دینی پرداخته است.

فرضیه پژوهش حاضر این است که نمایش الگوهای انسانی صالح، در پیش گیری از انحرافات بسیار موثر، و از هر حیث سودمند می باشد و تا زمانی که الگوهای ناشایست به ترویج فساد در

*. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم /شناسه پژوهشگر: (۶۲۱۷-۱۷۳۵-۰۰۰۳-۰۰۰۰ ORCID)

mortazavi55870@gmail.com

** طلبه سطح ۳ رشته اخلاق و تربیت اسلامی، مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) - واحد قم.

*** طلبه سطح ۳ رشته مدرسی ادبیات عربی، مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) - واحد قم.

جامعه مشغولند، نمی توان انتظار داشت تا افراد آن جامعه به سعادت و فلاح دست یابند. نتیجه حاصل از این پژوهش، ضمن تایید فرضیات فوق، گویای آن است که الگوهای برتر، با ایجاد تحول در گرایشات و روند فکری، و با ایجاد جو ایمانی و صلاح، مانع از تباهی افراد جامعه می شوند. در مقابل الگوهای بد با ایجاد چالشهای فکری و شکستن قبح گناه، به ترویج فساد و انحراف افراد و باتبع دختران در جوامع پرداخته، زمینه های عقب گرد جوامع را فراهم می آورند. کلید واژه: الگوهای دینی، تربیت دختران، تربیت اسلام.

مقدمه

یکی از راه های سازندگی در مراحل مختلف زندگی، داشتن الگو است. الگوبه معنای «سرمشق» (صدری افشار، غلام حسین؛ ۱۳۶) «طرح و نمونه» (معین، محمد؛ ۲۴۲) آمده است. همچنین معانی روبر، مدل، مقتدی، اسوه و مثال نیز برای آن ذکر شده است (دهخدا، علی اکبر؛ ۱۱۲). قدر مشترک همه این معانی همان طرح و نمونه است زیرا در سرمشق نیز از روی یک طرح و نمونه تقلید می شود. همچنین در مدل و روبر و مثال نیز مسئله تقلید از یک نمونه و طرح مطرح است. در واژه مقتدی هم پیروی کننده از رفتار مقتدای خود نمونه برداری و تقلید می کند. بنابراین در همه معانی مذکور، معنای طرح و نمونه مطرح است. پس الگو در حقیقت همان طرح و نمونه از پیش تعیین شده است.

وجود الگوی خوب به نوعی نقش راهنما را در زندگی انسان بازی می کند و انسان را بر سر دوراهی های زندگی در انتخاب درست یاری می رساند و از آنجایی که زنان، مربیان جامعه بشری هستند، خداوند ضمن توجه ویژه به زن و رشد و تعالی او، با ارائه الگوها و شاخص های متعالی انسانیت، زنان و دختران را به پیروی از سیره عملی و نظری این الگوها دعوت می نماید. در این پژوهش ضمن بررسی ضرورت و اهمیت وجود الگو برای دختران در نظام تربیتی اسلام، تاثیر الگوهای خوب در تربیت دختران بررسی و پیامدهای پیروی از الگوهای بد در نظام تربیتی اسلامی از منظر قرآن بررسی و ارائه شده است.

۱. اهمیت وجود الگو برای دختران در نظام تربیتی اسلامی

الگوها محل توجه و اعتنای فراوان افرادند، و با توجه به درجات و مراتبی که هر یک از آنها دارند، از اهمیت بیشتر یا کمتری نسبت به یکدیگر برخوردارند. الگوی تربیتی، به فردی گفته می شود که در یک مورد خاصی از رفتار و یا در زمینه های متعدد رفتاری، نمونه و سرمشق دیگران باشد. دختران نیز تحت تأثیر انگیزه های روانی (تربیت پذیری، قهرمان جویی و تقلید) نیازمند الگو و سرمشق اند، لذا هر کس و هر چیز را که قدری شایسته الگو بودن باشد و یا چنین نشان دهد، به الگویی برمی گزینند. نکته دیگر در اهمیت وجود الگوها اینکه در جامعه، وجود افراد و انسانهایی به عنوان وزنه ها و شخصیت های ممتاز برای دختران ضروری است، یعنی اگر این ها نباشند، جامعه اگر به گمراهی و قهقرا کشیده نشود، قطعاً به پیشرفت و صلاحی دست نخواهد یافت. صرف وجود و حضور الگوها و انسان های برتر و ممتاز در جامعه از یک سو و ارشادات و راهبری هایشان از سوی دیگر موجبات پیشرفت و ترقی جامعه از هر حیث و دوری از انحرافات را فراهم کرده، عوامل عقب گرد جامعه را تا حد امکان از میان می برد. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۷۱-۷۲)

۱.۱ میزان و ترازوی سنجش رفتار

الگوها و اسوه ها میزان و ترازوی سنجش رفتار دیگران اند، همان طور که اگر وسایلی همچون متر، ترازو، عدد، ساعت و دماسنج را از اجتماع انسان ها بگیرند، زندگی دشوار و رنج آور و پر بها به آنها روی خواهد آورد و در عادی ترین مسائل زندگی سرگردان خواهند شد، چنانچه الگوهای انسانی مناسب نیز برای افراد وجود نداشته باشد، جامعه در ابهام و سرگردانی به سر خواهد برد و در تشخیص صفات عالی و ذاتی انسان گرفتار سردرگمی و تحیر خواهد شد. (محمد قاسمی، حمید؛ ۲۱)

الگوها، میزان های سنجش صفات پاک و پلید انسان ها هستند و در ارزیابی، اندازه گیری و بازبینی اخلاق انسان دیگر متر، ترازو، دماسنج و ساعت بکار نمی آید. ناچار باید به تناسب، میزانهای انسانی و ترازوهای ویژه سنجش امور انسانی و معنوی را بکار گرفت این میزان ها همان الگوها و قهرمانان هستند. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۷۳-۷۴)

بنابراین الگوهای انسانی و مدل های بشری برای سنجش و اندازه گیری و تمیز خوب و بد رفتار

های انسانی ضروری و مهم هستند.

۱,۲ هدایت و راهیابی از طریق الگوها

وجود الگوهای برتر و کاملتر در اختیار تربیت یافتگان مکاتب دینی، یکی از اساسی ترین علل و عواملی است که با جرأت می توان گفت: در امر هدایت و تربیت بشر، نقش اول را بعهده دارد. در همین راستا، یکی از جنبه های ضرورت و نقش بارز الگوها در امور تربیتی، رهنمونی و روشنگری مسیر و شناساندن مقصد کمال آدمیان است. نقش الگوها در هدایت و راهنمایی انسان ها به مثابه نقش سرمشق برای آموزش و نقش قطب نما برای پیمودن راه است. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۷۵)

اسوه های شایسته عامل پیشگیری از انحراف ها و خطاها هستند و با حضور چشمگیر و موثر خود جوّی از ایمان و صلاح و پاکی پدید می آورند که خود به خود، اجازه ظهور جلوه های تباهی و انحراف را در جامعه نمی دهند. (محمد قاسمی، حمید؛ ۲۱)

خداوند متعال پس از خلقت سنجیده و حساب شده انسان ها و خلایق دیگر، همه را مشمول هدایت و راهنمایی خویش قرار داده، و این راهنمایی را در میان انسان ها به واسطه الگوهای شایسته صورت بخشید و آنان را به سوی خیر و سعادت، هدایت کرده و به اخلاق و صفات پسندیده و نیکو متخلق ساخت تا انسانها با هدایت و راهنمایی ایشان و با امید افزوتر به راهیابی حرکت تکاملی خویش استمرار بخشند. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۷۷)

۱,۳ سنجش، رسایی و نواقص با کمک الگوها

درک میزان موفقیت در کسب فضایل و شناخت نارسایی ها و سنجش کمبودها در امر تربیت حائز اهمیت فراوان است. الگوها در این زمینه میزان های سنجش از بد رفتار و درک رسایی و نارسایی اندیشه ها و اعمال سایر انسان ها هستند. وقتی که یک فرد، عکس العمل الگوی خویش را در برابر محرّک یا پدیده ای که برای خودش نیز رخ داده می نگرد و تفاوت فاحشی میان عکس العمل او عکس العمل خودش می یابد، در این حال به نارسایی رفتار یا برخورد خود پی می برد و از آن پس سعی در اصلاح رفتار خویش و تطبیق آن با رفتار الگویش می کند.

چه بسا اتفاق افتاده است که شخصیت های برتر و الگوهای برتر و الگوهای انسانی، دینی و

اجتماعی به ارزیابی رفتار و عمل انسان ها پرداخته و به طریقی (با گفتار یا با عمل) نارسایی و یا خطای آنان را گوشزد نموده اند و آنگاه راه صحیح و رفتار نیکو را به آنان آموخته اند. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۷۷-۷۸)

نمونه بارز این مسئله در موضوع عنایت ویژه و زاید الوصف حضرت پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) به داشتن فرزند دختر است چنانکه پیامبر گرامی اسلام می فرماید: « لَا تُكَرَّهُ هُوَا لِبَنَاتٍ فَإِنَّهُنَّ الْمُؤْنِسَاتُ الْغَالِيَاتُ »؛ [داشتن] دختران را زشت نپندارید؛ زیرا آنان وسیله انس، گران قیمت و گرانقدر هستند. (کلینی، ابو جعفر محمد ابن یعقوب؛ ۴۵۲)

این احترام به دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در زمانی است که جاهلیت در طول تاریخ، دختر آوردن زن را خوش ندانسته و قرآن کریم وضعیت اسفبار جاهلی را چنین ترسیم نموده است:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّوْجُهَا مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ»؛ (و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره-اش سیاه می گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد). (قرآن کریم نحل/۵۸)

پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم)، این موضعگیری و اعتقاد خود را با قول و فعل به منصّه بروز و ظهور می-رساند و پیروان پاک نهاد و مخلص ایشان نیز از این سلوک و رفتار پی به حقیقت برده و راه و رسم او را سرمشق خود قرار می دهند. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۷۸)

۲. تأثیر الگوهای خوب در نظام تربیتی اسلام

ارائه الگو و اسوه، موثرترین و موفقترین روش تربیتی است. بدین جهت خدای تبارک و تعالی، رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) را به عنوان بهترین سرمشق برای جهانیان معرفی می کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»؛ (قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست). (قرآن کریم احزاب/۲۱) رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در طول تاریخ، بزرگترین سرمشق بشریت بود. او قبل از اینکه با گفتار خود راهنمای خلق باشد با رفتار خویش بهترین مربی بود. ایشان، معصومین گرامی اسلام را پس از خود به عنوان اسوه و سرمشق برای مردم معرفی فرموده است: «أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي»؛ (همانا من میان شما دو امر گرانقدر، قرآن و اهل

بیتم را به جای می گذارم). (نهج البلاغه ۵۲۰، ۸۵)؛ (نصف، محمد مهدی؛ ۵۹)؛ (مغربی، ابو حنیفه؛ ج ۱، ص ۲۸)

الگو و سرمشق خوب، خود معلم توانایی است بدون زبان و مرشد ناصحی است بدون بیان، و سرمشق مدرسه ی عملی انسان می باشد که با زبان توانا و رسای بی زبانی، تعالیم خود را در نفوس راسخ نموده و آن را آویزه ی اذهان قرار می دهد. (شکوهی یکتا، محسن؛ ۱۲-۱۳)

اگر بانوان و دختران، حضرت فاطمه الزهراء (سلام الله علیها)، حضرت زینب کبری و... را الگوی خویش قرار دهند از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیت ها و انتخاب بهترین کارها برخوردار خواهند شد و آنان با الگو برداری از این بزرگواران درس فداکاری و ایستادگی پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خداوند بر دوش انسان گذاشته است را فرا خواهند گرفت و هرگز به فکر تجملات و خوش گذرانی ها و هوس های زودگذر نخواهد بود و تسلیم احساسات بی بنیاد و بی ریشه نخواهد شد. (بانکی پور فرد، امیر حسین؛ ۳۵) و بدین طریق به پیشرفت و تعالی دست یافته و ابعاد وجودی خویش را گسترش و تکامل خواهند بخشید.

۲.۱ همگرایی فکری

از تاثیرات دیگر الگوهای خوب در نظام تربیتی اسلامی می توان به همگرایی فکری اشاره کرد. بطور کلی الگوها در تحول گرایش ها و تمایلات انسان ها نقش حساسی دارند؛ می توانند اندیشه ها و گرایش های نامطلوب را متحول ساخته و به ایجاد روند فکری و آرمانی پسندیده و مطلوب در انسان کمک کنند. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۱۷۲)

در حقیقت سعادت و خوشبختی نصیب کسی است که جانش به علم زنده و با یقین سالم و با مراقبت بیدار باشد اسلام، تفکر و به کار انداختن عقل و مطالعه ی کتاب خلقت را بهترین و بزرگترین عبادت شناخته است. (فلسفی، محمد تقی؛ ج ۲، ص ۲۰۸)

لذا الگوهای خوب با پدید آوردن عادات منظم نسبت به حقیقت، خیر و جمال و نسبت به تعالی و کمال در جوانان، قسمت اعظم انفعالات نفس آنان را خود به خود و بطور مطلوب بکار انداخته اند. (مظلومی، رجب علی؛ ۱۳۷) چرا که الگوها وقتی بر دل و اندیشه انسانی حاکم شد و بر زوایای

روح او دست یافت، هرگونه اصلاح و تربیت ممکن خواهد بود. این کار، عمیق ترین و با ارزش ترین و سودمندترین اقدامی است که از عهده الگوها و اسوه ها برمی آید، بدین سبب که اندیشه بر تمام وجود انسان حاکم است و چون بر اندیشه حکم راند، بر تمامی وجود و شخصیت فرد حاکم خواهد بود. با تغییر گرایش، ذهنیت و تنظیم تفکر انسان ها می توان جزئی ترین رفتارها را کنترل کرد، بدون آنکه نیازی به اهرم های کنترل و مکانیزم های درمان و مجاری قانونی نمی باشد.

تاکید ویژه اسلام بر تعقل و لزوم بکارگیری اندیشه در رفتارها و برخوردها و موضع گیری ها از همین جا ناشی می شود. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۱۷۳)

۲,۲ تعالی روح

اسلام تنها مکتبی است که برخلاف مکاتب مادی و فرهنگ های غیرالهی به تناسب هدف والائی که راه پیروان خود قرار داد، به عرضه ی الگوهای جامع و کامل و روشن نیز اقدام کرده است. الگوهایی که خط آنان صراط مستقیم، هدف آنان قرب به خداوند، وجود مقدس شان بالاترین نمونه ی انسان کامل و آینه ی تمام نمای جمال حق می باشد، آری الگوهایی که تجلی آیات الهی و منعکس کننده و جلوه دهنده قرآن یعنی اساس نامه اسلامی واقعی است. خداوند بزرگ در سوره احزاب آیه ۲۱ قرآن کریم رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) را به عنوان الگوئی نیکو به مردم معرفی کرده است تا پیروان آن حضرت، وجود مقدسش را در رفتار و اخلاق و هدف خویش سرمشق خود قرار داده و بدین وسیله از هرگونه انحراف و کجی به دور مانند.

رفتار و گفتار الگوها به منزله ی نقش تابلویی است که در آینه پیروان آنها منعکس می گردد. انسان در حالات روحی و انگیزه و اهداف زندگی و حتی سلیقه های خویش تحت تاثیر الگوهایی است که فرا راه خویش قرار داده است. (اسماعیلی یزدی، عباس؛ ۱۱۹)

۲,۳ تحریک توانایی های مکنون و بلااستفاده

وجود و حضور اسوه در جامعه مایه ی امیدی برای انسان های دیگر و ضعیفان در راه مانده است. هنگامی که انسان غافل از همه ی توانایی ها و استعدادها و انرژی های موج درون خویش به گوشه ای خزیده و از هرگونه تحرک و تلاش بازمانده است، نمایش الگوها، یکی از عالی ترین عوامل برای ایجاد

حرکت و جنبش است.

این حقیقت را اغلب در صحنه های گوناگون زندگی اجتماعی ملاحظه می کنیم. برای مثال در میان نوجوانان، اگر یکی از آنها در محفلی عمومی مقاله ای بخواند و سخنانی ایراد کند، موجب تشویق و تحریک فراوان نوجوانان دیگر می شود و آنان را به تقلید خویش وا می دارد. این بدان جهت است که آن نوجوان باین عمل، برای همه همسالان خود، الگو شده است.

بنابراین یک الگوی نیک حقیقتاً به عنوان محرک قوی می تواند در رشد و تکامل روانی و تربیتی افراد موثر بوده و موجب تحرک، جنبش و تلاش و امید گردد. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۱۶۷-۱۶۹) و تمام استعدادهای افراد را با مراعات موازنه و هماهنگی پرورش داده از قوه به فعلیت رساند و این فرع بر شناخت بشر و درک واقعیت های ظاهری و باطنی اوست. به عبارت دیگر تربیت صحیح آن تربیتی است که مطابق با سرشت واقعی فطرت حقیقی انسان باشد و از این باب نقش تربیتی الگوها روشن تر می گردد. (فلسفی، محمد تقی؛ ۱۷۵)

۲،۴ عامل پیش گیرنده از خطا و اشتباه

از مهمترین تأثیراتی که الگوهای نیک می توانند بر مردم علی الخصوص جوانان داشته باشند، عامل پیش گیرنده از خطا و اشتباه است همچنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ الْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَلْبُهُ»؛ (قلب نوجوان در حقیقت چونان زمین بایر است که هر چه در آن افکنده شود می پذیرد.) (ری شهری، محمد؛ ج ۵، ص ۴۶۱) لذا از جمله روش های اصلاحی و تربیتی الگوهای شایسته آن است که هرگاه توفیق می یابند تا در جبهه ی باطل و کانون های فساد و تباهی غلبه یابند و دامن جامعه را از لوث وجود آنها پاک کنند، با طرح اعتقادات توحیدی و ارائه راه حق، خلاء های فکری و اعتقادی مردم و بانوان یک جامعه را پر می سازند و بدین وسیله مانع از رسوخ و نفوذ انواع خرافات و اعتقادات موهومی بر جامعه و خانواده می گردند که اکثراً دامن هر جامعه انقلابی را پس از رهایی از چنگال فراعنه و طوغیت آلوده می نمایند و جامعه را از مسیر صلاح و فلاح دور می سازد. (محمد قاسمی، حمید؛ ۷۰) همچنان که در روش تربیتی حضرت زینب (سلام الله علیها) مشاهده می شود وی پس از خطابه با عظمت خویش و پس از انذار و هشدار به

مخالفان راه بازگشت و اصلاح را هم به آنان ارائه می کند تا شاید راه حق را باز یابند و به سرچشمه زلال هدایت رهنمون شوند.

خلاصه آنکه نمایش الگوهای انسانی صالح در پیش گیری از جرایم و انحرافات بسیار موثر و از هر حیث مفید و سودمند می باشد. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۱۷۱)

۲.۵ پی ریزی و سازمان دادن به شخصیت دختران

انسان در طول زندگی خود با مسائلی مواجه می شوند که او را در وضعیت خطرناکی قرار می دهد و در صورت ادامه آن سرانجام او را از پای درمی آورد. تاریخ بشر در هر دوره انباشته از مسائل و مشکلات روحی و روانی مردمان خاص آن دوره اعم از عوامل طبیعی و جنگ های خانمان سوز، احساس تأسی و تنهایی ناشی از حاکمیت تمدن غربی و... بوده است. و انسان های امروزی به جهت خالی بودن از ایمان مذهبی برای رفع مشکلات روحی و روانی خود، به ایجاد و گسترش دیدگاه های فلسفی و روانی اقدام کرده است. اگرچه این گونه اقدامات تا اندازه ای انسان را امیدوار و خوش بین می کند، ولی هرگز نمی تواند شخصیت او را تحت الشعاع قرار دهد و رفتار او را تحت کنترل درآورد. انسان نیازمند عاملی است که همواره در دسترس باشد و جزئی از شخصیت او گردد. (اعرافی، علیرضا؛ ۴۵-۴۶)

الگوها میزان و ترازوی سنجش عقاید، رفتار ها و بطور کلی محک شخصیت انسان ها هستند و چون ترازوی سنجش عقاید و آرمان ها و آمال می باشند، قطعاً تأثیرات زیادی در انسان ها بجا خواهند گذاشت. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۱۷۲)

در بهداشت روانی، اصولی مطرح است که روح حاکم بر همه آنها گویای توجه بیشتر به پیش گیری از بیماری ها و اختلافات روانی است و یکی از آن اصول، اصل همانند سازی و تشبیه با الگوهای برتر و تلاش جهت هماهنگی با شخصیت آنهاست، که می تواند در دور نمودن افراد جامعه از بیماری ها و انحرافات موثر باشد. زیرا اولاً حضور اسوه ها و معیارهای رشد، مسئله رشد و کمال را از حالت نظری محض بیرون می -آورد و ثانیاً با ارائه شدن آنها، هر فرد می تواند، میزان سلامت و یا عدم سلامت روح و روان خود را با آنها بسنجد، و از آن پس با تأسی به آنان نواقص خود را برطرف

ساخته و خود را به کمالات آن اسوه ها بیاراید. (عباسی مقدم، مصطفی؛ ۱۷۱-۱۷۲)

خلاصه سخن این است که حضور الگوها و نمونه های انسان صالح، زمینه ساز رشد و سلامت روح و روان و پی ریزی و سازمان یافتن شخصیت افراد جامعه علی الخصوص دختران می باشد.

۳. پیامدهای پیروی از الگوهای بد در نظام تربیتی اسلامی

نظر به اهمیت فراوانی که نقش الگوهای بد در فساد جامعه می تواند داشته باشد و از آنجا که هر فردی به نوبه ی خود دانسته و یا خود آگاه در معرض مشاهده و الگوگیری از ناحیه ی دیگران می باشد جا دارد با ذکر پیامدهای پیروی از الگوهای بد در نظام تربیتی اسلامی جوانان علی الخصوص دختران را که به جهت عاطفه و احساسات ضعیف شان بیشتر در معرض تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار می گیرند آشنا ساخته تا با بصیرت بایدها و نبایدها را مدنظر و توجه خود قرار دهند و از خطا و اشتباه مصون بمانند.

۳،۱ انحراف جوانان و ترویج فساد در جامعه

انسان در تعاملات اجتماعی و ارتباطات دوستانه، بطور ناهوشیار و غیر ارادی تحت تاثیر عوامل محیطی قرار می گیرد و صفاتی بطور غیرارادی در وجود او ایجاد شده در رفتارهای او ظاهر می گردد؛ لذا در دستورهای دینی توصیه شده است از محیط آلوده و افراد فاسد دوری شود.

شناخت علل این انحرافات فرد را در زدودن آن و اصلاح رفتارها و صفات کمک می کند؛ زیرا با تشخیص علت های روانی می توان در صدد اصلاح ریشه های طبیعی برآمد علاوه بر اینها تشخیص این علت ها به شناسایی شیوه های تربیتی در برخورد با افراد مختلف منجر می شود و مریبان می توانند به سهولت به هدایت و تربیت اخلاقی مریبان پردازند، یا از بروز صفات و رفتارهای نامناسب پیش گیری کنند. (اعرافی، علیرضا؛ ۲۲۳)

بدیهی است تا زمانی که مریبان و الگوها کانون های فساد و تباهی در جامعه ای به اشاعه میکروب های گناه مشغول هستند و روح و روان انسان ها را با تیغ های زهر آگینی که بر سه راه هدایت کاشته اند مجروح و مسموم می سازند، نمی توان انتظار داشت تا افراد آن جامعه به سعادت و فلاح دست یازند و به تعبیری تا زمانی که باتلاق متعفن گناهان و رذایل اخلاقی خشک نشده، گل های زیبا و معطر

فضائل اخلاقی و معطر فضائل اخلاقی و ارزش های والای انسانی در بوستان جامعه پرورش نخواهد یافت. (محمد قاسمی، حمید؛ ۳۹)

معصومین علیهم السلام نیز در روایات مختلفی لغزش و انحراف الگوها را مورد توجه قرار داده اند. حضرت علی (علیه السلام) لغزش عالم را به کشتی شکسته ای تشبیه کرده اند که سرنشینان خود را به قعر تباهی می برد.

«زَلَّ الْعَالَمُ كَانِكِسَارِ السَّفِينَةِ، تَغْرُقُ مَعَهَا غَيْرُهَا» (تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ ج ۱، ۳۶)

لغزش عالم هم چون شکسته شدن کشتی است که غرق می شود و گروهی را نیز با خود غرق می کند.

لذا یکی از پیامدهای پیروی از الگوهای بد انحراف جوانان و ترویج فساد در جامعه است. از این رو غفلت از ریشه ها و زمینه های پیدایش انحرافات و آلودگی ها و پرداختن به حواشی و فعالیت های غیرضرور، کار عبث و بیهوده است.

۳،۲ روان پریشی و اضطراب

تقلیدگاه امری منفی است؛ زیرا بر پایه فکری ای قرار ندارد که سبب شود انسان نسبت به فعالیت یا موقعیتی که از آن سرمشق می گیرد باور پیدا کند، این حالت، انسان را به شکل بازتاب «پژواک» صدای دیگری در می آورد؛ چرا که مالک خود و اندیشه اش نیست. طبعاً وجود این حالت، بر رشد فکری و احساسی و عملی و آینده اش تأثیر می گذارد؛ زیرا که چنین شخصی به جای آن که از باورها و برداشت های خویش تغذیه کند که به او پایه فکری و آگاهی و عمل می بخشد، خیره و تیز به دیگران چشم می دوزد تا از نگاه بیگانه و بیرون به خویشتن بنگرد. این مساله چیزی است که اسلام در تبیین روند شیوه یابی تقلید از گذشتگان (پدران) نسبت به آن تأکید می ورزد؛ زیرا رابطه عاطفی موجود بین فرزندان نسبت به پدران شان، قدرت خودباوری و استقلال فکری را از آنان می ستاند از این رو فرزندان، از پذیرش هر حالت فکری یا احساسی یا معنوی دیگر شانه خالی می کنند تا مواضع پدران شان را همچنان حفظ کرده باشند.

نوعی از تقلید را امروزه نیز در بین نسل نواز دختران و پسران جوان می بینیم که از هنرپیشگان مرد

وزن و آواز خوانان مرد یا زن یا از افرادی که به گونه ای احساسات نسل جوان را به خود جلب کرده اند تقلید می-کنند چنانکه حتی بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی جامعه خویش عصیان می کنند که خود را همانند دیگران کرده باشند. آنچه برای آنان مهم است این نیست که این تقلید بر زندگی شان چه تاثیر مثبت یا منفی دارد؛ بلکه آنچه برای اینان ارزشی حساب می آید افرادی است که توانسته اند احساسات گرم دیگران را به خود معطوف کنند. (فضل الله، محمد حسین؛ ۱۵۲-۱۵۳) لذا همین الگوگیری بد جوانان و بالطبع دختران، آنان را با چالش های فکری رو به رو ساخته و به اضطراب و روان پریشی سوق می دهد تا جایی که اینان با مرور زمان اصالت فکری شان را که با ریشه های فرهنگی شان مرتبط است از دست می دهند.

۳,۳ شکسته شدن قبح گناه

در محیطی که تبع گناه توسط الگوها شکسته می شود حساسیت، زشتی از میان می رود و ارتکاب گناه به راحتی صورت می گیرد و افراد بی محابا به هرگونه فساد تن می دهند. (محمد قاسمی، حمید؛ ۳۸)

از این رو خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ»؛ (... و از هواهای گروهی که از پیش گمراه شدند و بسیاری از مردمان را گمراه کردند و از راه راست منحرف شدند پیروی نکنید.) (قرآن کریم ماعده/۷۷)

چراکه اگر چیزی از ملکات شد، دیگر انسان آن را قبح نمی داند و این طور نیست که هر کسی مرتکب امر قبیح می شود، قبح آن در نظرش مجسم باشد؛ چنانکه در نظر دیگران است و اگر جلوی قوه علم را گرفت و این قوه در طرف افراط و در طرف تفریط واقع نشد، بلکه متوجه علوم حقه و اعلی و ابقی گردید، این قوه در آن متوسط تقویت می یابد و آن ملکه می شود. (اخلاقی، مرضیه؛ ج ۱، ۱۸۹-۱۹۰)

همان گونه که همسر عزیز مصر ابتدا از افشای کار زشت خود می ترسید و از این رو درب ها را می بندد تا کسی از گناهش آگاهی نیابد و غلقت الابواب، اما هنگامی که زنان مصر را همراه و همدستان خود می-بیند (محمد قاسمی، حمید؛ ۳۸) و علناً می گوید: «لَقَدْ رَأَوْهُ عَنْ نَفْسِهِ»؛ (آری، من از او کام خواستم) ولی [او خود را نگاه داشت]. (قرآن کریم یوسف/۳۲)

بنابراین از مطالب مذکور می توان نتیجه گرفت که پیروی از الگوهای بد، شکسته شدن قبح گناه در جامعه و سپس انحراف و گمراهی جوانان و بالطبع دختران را در پی خواهد داشت.

نتیجه گیری:

الگوها محل توجه فراوان افرادند. از آنجایی که دارای درجات و مراتبی اند، بطوری که به خوب و بد قابل تقسیم اند، از این رو در پیشرفت و یا سقوط جوامع نقش بسزایی دارند. جوانان و بالاخص دختران به عنوان افرادی از جوامع، تحت تأثیر انگیزه های روانی، نیازمند سرمشقند، لذا هر کس را که در نظرشان شایستگی الگو بودن داشته باشند، به عنوان سرمشق پذیرفته و از وی تبعیت می کنند و اعمال و رفتارشان را، (با گفتار و عمل) الگوها تطبیق می دهند. و از آنان تأثیر می پذیرند.

از این رو الگوهای برتر انسانی، دینی و اجتماعی به مثابه میزان و سنجش اعمال مردم، به ارزیابی رفتار و اعمال انسان ها پرداخته، با ایجاد تحول در گرایشات و روند فکری، و با ایجاد جوایمانی و صلاح، مانع از تباهی و انحراف افراد جامعه بالاخص دختران می شوند. در مقابل الگوهای ناشایست با ایجاد چالشهای فکری و شکستن قبح گناه، به ترویج فساد و انحراف افراد و باتبع دختران در جوامع پرداخته، زمینه های عقب گرد جوامع را فراهم می آوند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۹، چاپ اول. .
- نهج البلاغه، گردآورنده سید رضی محمد ابن حسین موسوی، قم، موسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ه ق، چاپ اول، ج ۱.
- اخلاقی، مرضیه، شایسته شریعتمداری، انسان سازی در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، چاپ دوم.
- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵، چاپ اول.
- اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۶.
- بانکی پورفرد، امیرحسین، آئینه زن (مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری)، قم، نشر کتاب طه، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- بهشتی، محمد و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، ۱۳۷۹، چاپ اول.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتاب الإسلامی، بی جا، ۱۴۱۰ه ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)، تهران، نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۷۷.
- صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳، چاپ چهارم.
- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چاپ اول.

- فضل الله، محمدحسین، دنیای جوان، مجید مادری، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
- فلسفی، محمدتقی، کودک در نظر وراثت و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- محمد قاسمی، حمید، روش های تربیتی در داستان های قرآنی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- محمدپری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۵.
- مظلومی، رجب علی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۶.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی (متوسط)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، چاپ بیست و پنجم.
- مغربی، ابو حنیفه، دعائم الاسلام، قم، موسسه آل البیت (علیه السلام)، ۱۳۸۵ ه ق، چاپ دوم.
- نجف، محمد مهدی، صحیفه الرضا. جلد کنگره جهانی امام رضا (ع). مشهد، ۱۴۰۶ ه ق. چاپ اول.

